

«معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی»

مؤلف: فرهاد ساسانی

ناشر: علم

سال نشر: ۱۳۸۹

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۲۵۷

- کتاب معناکاوی با زیر عنوان «به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی» یکی از آثار تالیفی نشانه‌شناسی در ایران محسوب می‌شود. چند سالی است که محققان ایرانی در کنار ترجمه کتاب‌های غربی به تالیف آثاری در حوزه نشانه‌شناسی نیز می‌پردازند و همین موضوع نشان از پیشرفت قابل توجه و امیدوار کننده در کشور دارد. در این رابطه برخی از محققان نظرات تازه‌ای را به دانش نشانه‌شناسی افزوده‌اند و حتی برخی نیز سخن از نظریه‌های نو در این قلمرو می‌زنند. کمتر دانشی به ویژه در علوم انسانی در این چند سال همانند نشانه‌شناسی رشد و توسعه یافته است و به جرأت می‌توان گفت که ایران در دانش نشانه‌شناسی به قطب بزرگی در منطقه و حتی آسیا تبدیل شده است. یکی از ویژگی‌های نشانه‌شناسی در ایران، تنوع موضوعی و گرایشی است و این ویژگی بیشتر به دلیل وجود خاستگاه‌ها و گرایش‌های محققان این دانش است. بخش مهمی از توسعه نشانه‌شناسی در کشور مدیون حلقه نشانه‌شناسی تهران است که مدتها در فرهنگستان هنر فعالیت داشت و امروزه در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی مستقر است. امروزه گروه‌هایی همچون نشانه‌شناسی هنری در خانه

۲۵۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

هنرمندان ایران نیز که هسته مرکزی آن برخی از اعضای همین حلقه هستند، نقش به‌سزایی در گسترش و تعمیق این مطالعات دارند. مولف به طور منصفانه بر اهمیت این حلقه و تعاملاتش با اعضای آن بر آثارش سخن می‌گوید: «بی-شک نگاهی که اکنون به مسئله معنا دارم حاصل همین تعاملات و برهم‌کنش‌هاست.»

- کتاب «معناکاوی» نوشته فرهاد ساسانی توسط نشر علمی به چاپ رسیده است. طرح روی جلد از ویژگی خاصی برخوردار نیست و از نظام کلامی به عنوان محور طراحی مورد استفاده قرار گرفته است. بازی برهمنشینی کلمات «معنا» و «کاوی» چندان موفقیت آمیز نبوده است. این کتاب هفتمین اثر از مجموعه نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی نشر علمی محسوب می‌شود که زیر نظر فرزاد سجودی تا کنون آثار قابل توجهی را منتشر کرده است. گرچه صفحه‌آرایی نیز در مجموع مناسب است اما متأسفانه گاهی مشکلاتی به چشم می‌خورد. به طور مثال ص ۱۴۶ تنظیم صفحه به ویژه در پایین مشکل اساسی دارد.
- کتاب پس از یک پیش‌گفته و درآمد به دو بخش بزرگ تقسیم می‌شود: بخش یکم با عنوان معنا و معناپردازی و بخش دوم با عنوان سازه‌های معناپرداز. مولف در پیش‌گفته به مسائل تکوینی و ساختاری کتاب می‌پردازد و در آن از چگونگی شکل‌گیری و علل تاخیر آن سخن می‌گوید و به طور صمیمانه اما کلی در مورد دلیل و موانع همچنین عوامل تکوین اثر توضیح کوتاهی می‌دهد. توضیحات آنقدر کلی است که نبود آن‌ها لطمه‌ای به پیش‌گفته نمی‌زند. به طور مثال می‌نویسد که «سستی در این کار- که البته دلیلش کاهلی و تن‌پروری نبود - باعث شد این خواسته عملی نشود...» ص ۱ پس از آن هیچ توضیحی داده نمی‌شود که دلیل این سستی چه بوده است به همین روی چه نیازی برای گفتنش احساس می‌شود. همچنین در آغاز این مطلب می‌نویسد: «بود روزهایی که می‌خواستم نوشته‌هایی را که درباره‌ی معنا و معناشناسی،

معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی ۲۵۱

نشانه‌شناسی، ... داشتم بفشارم و شیرۀ آن را در یک مجموعه به صورت پیوسته و منسجم بیاورم...» پس از چند خط گفته می‌شود: «کنون که به پس می‌نگرم، گمان می‌کنم مهمترین مسئله در اغلب نوشته‌ها و دغدغه‌هایم «معنا» بوده باشد.» این طبیعی است کسی که بخواهد نوشته‌های معنا و معناشناسی را گردآوری کند نوشته‌هایش در خصوص «معنا» خواهد بود. این قبیل مطالب ارزش علمی و انسجام منطقی اثر را کمی خدشه‌دار می‌کند.

- مؤلف کتاب پانزده صفحه را به «درآمد» اختصاص داده است. درآمد با «پیش درآمد» شروع می‌شود. در پیش درآمد و در سازمان کتاب گاهی به تکرار پرداخته است که از نقاط ضعف این اثر به خصوص در بخش آغازین آن محسوب می‌شود. وی چندین بار به چگونگی شکل‌گیری اثر و چندین بار به ساختار اثر اشاره داشته و آن‌ها را تکرار می‌کند.
- بخش نخست با عنوان «معنا و معناپردازی» دارای سه فصل است: رویکردهای گوناگون به معنا، معنای معنا و نشانه‌شناسی: از رشته تا ترارشته. همان‌طور که ملاحظه می‌شود این عناوین و موضوعات دارای هماهنگی نیستند. زیرا از یک سو به رویکردهای گوناگون پرداخته می‌شود، سپس به تعریف معنا با عنوان معنای معنا پرداخته می‌شود که همنشینی مناسبی و ترتیب بایسته‌ای نسبت به هم ندارند و دست آخر به یک دانش خاص و تحول آن یعنی «نشانه‌شناسی: از رشته تا ترارشته» پرداخته می‌شود. به نظر می‌رسد این فصول از مقالاتی گوناگون اقتباس شده و کنار هم چیده شده‌اند.
- در فصل «رویکردهای گوناگون به معنا» ساختاری منسجم به نظر نمی‌رسد. برای مثال در نخستین زیرفصل با عنوان «معنی در فلسفه و منطق» در حد یک صفحه به معنی در دو دانش مهم و اساسی درباره معنا پرداخته شده است. در این خصوص باید خاطر نشان کرد که یا این موضوع اهمیت یک زیرفصل دارد و در حوزه مطالعاتی این اثر قرار می‌گیرد، که در این صورت باید صفحه‌های متمادی را به تشریح و تبیین آن اختصاص داد یا این که موضوعی

۲۵۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

اصلی یا اساسی نیست که در این صورت بهتر بود موضوع به صورت بسیار ناقص با عنوانی ویژه ارائه نمی‌شد. به نظر می‌رسد بهتر بود این اثر که قرار است به معنا در حوزه خاصی بپردازد وارد حوزه‌هایی که خود دارای ادبیاتی گسترده در مورد معنا هستند وارد نمی‌شد. مؤلف محترم نیز این موضوع را حس کرده است و به همین روی در پاورقی می‌نویسد: «موضوع «مروری بر دیدگاه‌های گوناگون معنا» عنوان تقریبی کتابی است که بعدها اقدام به تدوین آن خواهم کرد.» و در ص ۲۵ یادآوری می‌شود که درست پس از زیرفصل «معنی در فلسفه و منطق»، با زیرفصل دیگری با عنوان «معنی درون زبانی» مواجه می‌شویم و از خود می‌پرسیم آیا «معنی درون زبانی» یک رویکرد است؟ البته زیرفصل‌های دیگر تقریباً بر همین منوال هستند، مثلاً «کمینه‌های معنایی» عنوان زیرفصل سوم است. در نظر داشته باشیم که عنوان اصلی این بخش «رویکردهای گوناگون به معنی» است.

- بحث معنا و معنی نیز در این بخش خود مفصل است. زیرا اغلب محققان این رشته میان معنی و معنا تمایز قائل هستند. اما در این خصوص اثر یاد شده متأسفانه دارای اغتشاش زیادی است. به طور مثال عنوان فصل عبارت است از «رویکردهای گوناگون به معنا» اما چنانکه ملاحظه شد عناوین زیرفصل‌ها با استفاده از واژه «معنی» شکل گرفته‌اند. همچنین باید توجه داشت که در سرفصل‌ها عنوان فصل آمده است: «رویکردهای گوناگون به معنی».
- بخش دوم با عنوان «سازه‌های معناپرداز» دارای سه فصل است: متن، پیوندهای برون متنی و بینامتنی و در پایان بیناکنش. متن به عنوان یکی از مهمترین سازه‌های معنایی نخستین موضوعی است که مورد بررسی قرار می‌گیرد.
- یکی از تقسیم بندی‌های کتاب تقسیم سازه‌ها و روابط درون متنی و برون متنی است. اما آن چیزی که برای محققى همچون مؤلف این کتاب موجب شگفتی است، قرار دادن روابط بینامتنی در حوزه روابط برون متنی است.

معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی ۲۵۳

همنشینی بینامتنیت با گفتمان یا بافت از این جهت تعجب دارد که مؤلف خود از نخستین کسانی است که به موضوع بینامتنیت پرداخته و تفاوت ملهوی میان روابط بینامتنی و روابط بافتاری را می‌شناسند. بهتر آن بود که این روابط به سه دسته اصلی تقسیم می‌شد: متنی (درون متنی)، بینامتنی و برون متنی (بافتاری). زیرا جهان نشانه‌ای یا سیمیوسیس دارای استقلال و اهمیت خاصی در حوزه مطالعات نشانه‌شناختی است. خود مؤلف نیز این مشکل را حس کرده است و بارها و به ویژه در آغاز فصل ششم زیرفصلی را با عنوان «مشکلات مقوله‌بندی متن و بیرون متن» به آن اشاره دارد. بنابر این مهم تعریف متن است که معیار تمایز از دیگر مفاهیم و حوزه تلقی می‌شود.

- همچنین تقلیل پیوندهای درون متنی به همنشینی و برون متنی به جانشینی نیز تقلیلی قابل تامل است. زیرا هم در خارج از حوزه متنی می‌توان شاهد روابط همنشینی بود - مثلاً در روابط بینامتنی - و هم در درون یک متن می‌توان روابط جانشینی را مشاهده کرد. همچنین روابط دیگر زیادی به غیر از این دو رابطه وجود دارد که به آنها پرداخته نشده است.
- سپس وی به حق بر معنای گسترده متن حتی برای چندمین بار - تاکید می‌کند. وی می‌کوشد تا این پیش فرض را که متن را صرفاً نوشتاری در نظر می‌گیرند، رد کند و گستره متن را همانند ساختارگرایان پیش می‌برد. برای مؤلف همانند بسیاری از محققان حوزه نشانه‌شناسی متن فقط نوشتار نیست بلکه گفتار را نیز در برمی‌گیرد. همچنین حوزه متن از نظام کلامی - چه نوشتار و چه گفتار - فراتر می‌رود و دیگر نظام‌های نشانه‌ای همچون تصویری، نمایشی یا سینمایی را نیز شامل می‌شود.
- یکی از امتیازات این کتاب، نمونه‌هایی است که گاه‌گاهی در مورد فرهنگ و ادبیات ایرانی ارائه می‌دهد و امکان کاربردی کردن نظرات کتاب را برای خوانندگان علاقه‌مند فراهم می‌آورد. همین مسأله است که تألیفی بودن کتاب را پر رنگ می‌کند و امید یک نگرش و پردازش بومی را موجب می‌شود. یکی

۲۵۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

دیگر از امتیازات این کتاب تسلط خوب مؤلف به زبان انگلیسی است. وی خود از مترجمان این زبان به‌ویژه در حوزه نشانه‌شناسی محسوب می‌شود و در این خصوص چندین کتاب ترجمه کرده یا ویراستار آثار ترجمه شده است. همین موضوع به مؤلف امکان داده است تا در معادل‌یابی اشتباهات کمی داشته باشد.

- پیش از به پایان بردن مطلب، مناسب است به موضوعی اشاره شود، که شاید باید اول به آن پرداخته می‌شد؛ یعنی عنوان کتاب. عنوان کتاب مهمترین پیرامتن محسوب می‌شود و پیرامتن نقش آستانه را برای ورود به متن ایفا می‌کند. کارکرد پیرامتن ترغیب مخاطب به سوی متن است. عناوین با توجه به گونه اثر -هنری یا علمی یا روزنامه‌ای ...- دارای ویژگی‌های خاصی هستند. عنوان اصلی کتاب حاضر «معناکاوی» و عنوان دوم، «به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی» است. رابطه میان عنوان نخست و عنوان دوم روشن و به اندازه کافی شفاف نیست. «معناکاوی» حوزه بسیار گسترده‌ای را از معرفت، از نوع دینی تا انسانی دربرمی‌گیرد. اما نشانه‌شناسی یکی از دانش‌هایی است که به معنا با تعریف خاص خود و به شیوه خاص خود می‌پردازد. برای مثال مفسران کتاب‌های مقدس نیز در جست و جوی معنا هستند و معناشناسی و حتی معناکاوی می‌کنند؛ ولیکن آیا آن‌ها را می‌توان در زمره نشانه‌شناسان قلمداد کرد؟ به یقین نه و فکر می‌کنم مؤلف محترم نیز با این رأی هم عقیده باشد. اما آیا باید آن‌ها را از زمره معناشناسان یا معناکاوان خارج کرد یا این که باید علمای هرمنوتیک را از این زمره متمایز نمود؟ به همین روی اگر اثر می‌خواست حوزه معناشناسی را در مفهوم عمومی آن مطالعه کند، مناسب است در عنوان فرعی نیز از «به سوی معناشناسی اجتماعی» استفاده کند. اما اگر می‌خواهد همچنان در قلمرو نشانه‌شناسی به مطالعه بپردازد و معنا را در این حوزه بررسی کند مناسب است از عنوان فرعی «به سوی نشانه‌کاوی

معناکاوی : به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی ۲۵۵

اجتماعی» یا با توجه به اصطلاح دکتر شعیری «به سوی نشانه-معناکاوی اجتماعی» استفاده می‌کرد.

- از نقاط مثبت دیگر این اثر امانت داری در منابع و مراجع است که متأسفانه امروزه کمتر به چشم می‌خورد. البته مناسب بود به محققان ایرانی این حوزه افرادی که موجب انتقال بخش گسترده از میراث نشانه‌شناسی اروپای غربی، اروپای شرقی و آمریکا و به ویژه کاربردهای آنها در ادبیات و هنر کشورمان شده‌اند، اشارات بیشتری می‌شد. در پایان لازم به یادآوری است که کتاب حاضر از آثار ارزشمند تألیف شده حوزه نشانه‌شناسی اجتماعی در ایران قلمداد می‌شود و تاثیر مثبت خود را بر جامعه علمی گذارده و همچنان خواهد گذارد. مطالب حاضر ادعای کامل بودن ندارد، نه در اشارات به نقاط مثبت آن که بی‌شمارند و نه نقاط قابل تأمل و شاید بتوان گفت ضعف آن. امید است در آینده نیز شاهد آثار دیگری از این مؤلف فرهیخته باشیم.